



دوره مطالعات تحلیلی / تطبیقی حقوق بین الملل خصوصی - ۴
مطالعه تابعیت در حقوق ایران (۲): تابعیت اکتسابی

تابعیت اکتسابی در حقوق ایران

مصطفی دانش پزوه
دانشیار گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
بهار ۱۴۰۱

دانش پژوه، مصطفی، ۱۳۳۵-
ایران. قوانین و احکام.
تابعیت اکتسابی در حقوق ایران / مصطفی دانش پژوه. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۱.
سیزده، ۲۰۲ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۲۵: حقوق و فقه اجتماعی؛ ۶۹)
بها: ۶۰۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-382-4
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
بالای عنوان: مطالعه تابعیت در حقوق ایران (۲): تابعیت اکتسابی.
کتابنامه. ص. [۲۰۷] - ۲۰۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: مطالعه تابعیت در حقوق ایران (۲): تابعیت اکتسابی.
۱. تابعیت -- ایران. ۲. Citizenship -- Iran. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
KMH518/7
۳۲۳/۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی
Iran. Laws, etc.
۸۸۰۷۳۶۶



تابعیت اکتسابی در حقوق ایران

مؤلف: مصطفی دانش پژوه (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایشی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱.ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، شماره: ۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و شناخت اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۲۰ کتاب و ۶ نشریه علمی اشاره کرد.

مطالعه این کتاب که قسمت دوم پژوهشی گسترده با عنوان «(مطالعه انتقادی - تطبیقی - اصلاحی) قانون تابعیت ایران» می‌باشد و به تابعیت اکتسابی اختصاص یافته است، برای دانشجویان حقوق، به‌ویژه با گرایش حقوق بین‌الملل و همه علاقه‌مندان بحث تابعیت سودمند خواهد بود و انشاء الله به همه دغدغه‌مندان حل مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و حقوقی، به ویژه نهادهای مسئول و مشخصاً مجلس شورای اسلامی، کمک خواهد کرد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف ارجمند، حجت الاسلام و المسلمین آقای مصطفی دانش‌پژوه و ارزیابان گرامی، آقایان دکتر محمد جواد شریعت باقری و دکتر حسین قافی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

فهرست اجمالی

۷.....	بخش اول: کلیات.....
۹.....	مقدمه.....
۱۱.....	فصل اول: تابعیت تحصیلی (کسب تابعیت از راه اراده و درخواست مستقیم شخص).....
۱۷.....	فصل دوم: تابعیت تبعی و الحاقی (کسب تابعیت از راه کسب تابعیت به وسیله دیگری و یا به تقاضای دیگری).....
۲۱.....	فصل سوم: تابعیت تحقیقی و شبه تحقیقی (کسب تابعیت در نتیجه یا به سبب ازدواج).....
۲۷.....	فصل چهارم: تابعیت اجباری.....
۲۹.....	فصل پنجم: تابعیت رجوعی (بازگشت به تابعیت).....
۳۳.....	بخش دوم: کسب ارادی تابعیت ایران (مستقل از روابط خانوادگی).....
۳۵.....	مقدمه.....
۳۷.....	فصل اول: تابعیت تحصیلی.....
۱۰۵.....	فصل دوم: تابعیت رجوعی.....
۱۲۷.....	بخش سوم: کسب غیرارادی تابعیت ایران (مرتبط با روابط خانوادگی).....
۱۲۹.....	فصل اول: تابعیت تحقیقی.....
۱۶۳.....	فصل دوم: تابعیت تبعی و الحاقی.....

فهرست تفصیلی

۱.....	پیشگفتار
۱.....	ضرورت پژوهش
۲.....	هدف پژوهش
۳.....	شیوه و روش پژوهش
۴.....	پیشینه پژوهش
۵.....	سرفصل‌های اصلی پژوهش

بخش اول: کلیات

۹.....	مقدمه
۱۱.....	فصل اول: تابعیت تحصیلی (کسب تابعیت از راه اراده و درخواست مستقیم شخص)
۱۷.....	فصل دوم: تابعیت تبعی و الحاقی (کسب تابعیت از راه کسب تابعیت به‌وسیله دیگری و یا به تقاضای دیگری)
۲۱.....	فصل سوم: تابعیت تحقیقی و شبه‌تحقیقی (کسب تابعیت در نتیجه یا به‌سبب ازدواج)
۲۷.....	فصل چهارم: تابعیت اجباری
۲۹.....	فصل پنجم: تابعیت رجوعی (بازگشت به تابعیت)

بخش دوم: کسب ارادی تابعیت ایران (مستقل از روابط خانوادگی)

۳۵.....	مقدمه
---------	-------

فصل اول: تابعیت تحصیلی

۳۷.....	درآمد: متون قانونی و پرسش‌های مربوط
۳۷.....	الف) متون قانونی
۳۹.....	ب) پرسش‌های مربوط
۴۰.....	مقدمه؛ مفهوم تابعیت تحصیلی
۴۱.....	مبحث اول: تابعیت تحصیلی بیگانگان (به‌طور عام و با پدر و مادر غیر ایرانی)
۴۱.....	گفتار نخست: امکان قانونی و کیستی تحصیل‌کننده تابعیت
۴۱.....	بند یک: عدم تأثیر موقعیت و پایگاه خانوادگی
۴۳.....	بند دو: عدم تأثیر وضعیت سیاسی
۴۴.....	گفتار دوم: ماهیت تابعیت تحصیلی
۴۴.....	بند یک: تابعیت تحصیلی امتیاز است و نه حق
۴۴.....	الف) در مقام وضع قانون
۴۵.....	ب) در مقام اجرای قانون
۴۶.....	بند دو: تابعیت تحصیلی، عقد است و نه ایقاع

- بند سه: تابعیت تحصیلی، عقد لازم است و نه جایز ۴۶
- گفتار سوم: شرایط تحصیل تابعیت ایرانی ۴۷
- بند یک: شرط اهلیت (شرط اعمال حق) ۴۸
- الف) تبیین ۴۸
- ب) ابهام‌ها و پرسش‌ها ۴۸
- یک) تقویم شمسی یا قمری؟ ۴۸
- دو) اعتبار سایر شرایط اهلیت؟ ۴۹
- بند دو: شرط سکونت یا اقامت ۵۰
- بند سه: شرط سلامت سیاسی و سابقه وفاداری به مملکت ۵۲
- بند چهار: شرط سلامت اخلاقی ۵۳
- بند پنج: شرط کفایت اقتصادی (مکنت و تأمین معاش) ۵۵
- بند شش: شرط آشنایی با فرهنگ ایرانی و سوگند وفاداری ۵۶
- بند هفت: شرط قبول دولت ایران ۵۶
- بند هشت: شرط موافقت دولت خارجی با خروج متقاضی از تابعیت آن دولت؟ ۵۷
- حقوق تطبیقی ۵۸
- گفتار چهارم: تسهیل در تحصیل تابعیت با معافیت از شرط سکونت ۶۰
- بند یک: تبیین کلی ۶۰
- بند دو: ابهام‌ها و پرسش‌ها ۶۲
- الف) مفهوم عیال ۶۲
- ب) مفهوم اولاد ۶۳
- ج) تعدد اولاد ۶۴
- د) مفهوم ایرانی ۶۴
- هـ) زمان ایرانی بودن عیال ۶۵
- و) دورکنی بودن شرط استفاده از تخفیف معافیت نسبت به شرط اقامت ۶۶
- بند سه: انتقاد و پیشنهاد ۶۶
- الف) انحصار عیال به زوج ۶۷
- یک: ایراد اول؛ مخالفت با فلسفه وضع ماده ۹۸۰ ۶۷
- دو: ایراد دوم؛ شبهه نگاه جنسیتی ۶۷
- ب) ضمیمه شدن داشتن فرزند ۶۸
- ج) انحصار معافیت به داشتن همسر ایرانی (عدم شمول نسبت به فرزندان و پدر و یا مادر) ۶۸
- پیشنهاد اصلاحی ۶۹
- د) تسهیل جدید ۶۹
- گفتار پنجم: ضمانت اجرای شرایط لازم برای تحصیل تابعیت ایران ۷۰

- بند یک: تحصیل غیرقانونی تابعیت ایران..... ۷۰
- بند دو: تحصیل متقلبانه تابعیت ایران..... ۷۱
- گفتار ششم: تشریفات و هزینه‌های اداری..... ۷۲
- گفتار هفتم: مبدأ پذیرش به تابعیت ایران و ترتیب آثار آن..... ۷۷
- گفتار هشتم: آثار..... ۸۰
- بند یک: آثار شخصی..... ۸۰
- الف) حق‌ها و محرومیت‌ها..... ۸۰
- ب) عطف به ماسبق شدن یا نشدن محرومیت‌ها..... ۸۲
- ج) نقد محرومیت‌ها..... ۸۵
- یک: نقد کلی محرومیت‌ها..... ۸۵
- دو: نقد محرومیت از قضاوت..... ۸۷
- د) تکالیف و تعهدات..... ۸۹
- یک: انجام خدمت نظام وظیفه..... ۹۰
- دو: وظیفه اطاعت و حق شناسی نسبت به دولت ایران..... ۹۰
- بند دو: آثار خانوادگی..... ۹۰
- حقوق تطبیقی..... ۹۲
- مبحث دوم: تابعیت تحصیلی فرزندان مادران ایرانی (به‌طور خاص و از پایگاه خانوادگی)..... ۹۳
- حقوق تطبیقی..... ۹۴
- مبحث سوم: تابعیت تحصیلی آپاتریدهای خاص..... ۹۵
- سخن پایانی: اصلاح‌های پیشنهادی..... ۹۵
- بند یک: ماده ۹۷۹، در باره امکان و شرایط تحصیل تابعیت ایران..... ۹۶
- الف) پیشنهاد مقدماتی..... ۹۶
- ب) پیشنهاد نهایی..... ۹۶
- بند دو: ماده ۹۸۰، درباره تسهیل در تحصیل تابعیت ایرانی..... ۹۷
- الف) پیشنهادهای مقدماتی..... ۹۷
- ب) پیشنهاد نهایی..... ۹۸
- بند سه: ماده ۹۸۱، درباره تضمین شرایط تحصیل تابعیت..... ۹۹
- الف) پیشنهاد مقدماتی..... ۹۹
- ب) پیشنهاد نهایی..... ۹۹
- بند چهار: ماده ۹۸۲، درباره آثار شخصی تابعیت تحصیلی..... ۹۹
- الف) پیشنهادهای مقدماتی..... ۹۹
- ب) پیشنهاد نهایی..... ۱۰۰
- بند پنج: ماده ۹۸۳، درباره تشریفات اداری..... ۱۰۱

۱۰۱	پیشنهاد مقدماتی و نهایی
۱۰۱	بند شش: ماده ۹۸۴، درباره آثار خانوادگی تابعیت تحصیلی
۱۰۱	الف) پیشنهاد مقدماتی
۱۰۲	ب) پیشنهاد نهایی (در ضمن چند ماده)
۱۰۳	بند هفت: ماده ۹۸۵، باز هم درباره آثار خانوادگی تابعیت تحصیلی
۱۰۳	پیشنهاد مقدماتی و نهایی

فصل دوم: تابعیت رجوعی

۱۰۵	درآمد: متون قانونی و پرسش‌های مربوط
۱۰۵	الف) متون قانونی
۱۰۶	ب) پرسش‌های مربوط
۱۰۶	مقدمه: تبیین تابعیت رجوعی و تفاوت‌های آن با تابعیت تحصیلی
۱۰۷	مبحث اول: موارد تابعیت رجوعی
۱۰۸	گفتار نخست: ماده ۹۹۰ قانون مدنی
۱۰۹	گفتار دوم: ماده ۹۸۷ قانون مدنی
۱۰۹	بند یک: مشروط بودن حق تابعیت رجوعی به نداشتن شوهر
۱۱۰	بند دو: مانع بودن شوهر جدید؟
۱۱۱	بند سه: تبصره ۱ ماده ۹۸۷ قانون مدنی
۱۱۲	بند چهار: نوع تابعیت پیشین
۱۱۴	مبحث دوم: شرایط
۱۱۵	مبحث سوم: ماهیت تابعیت رجوعی
۱۱۶	گفتار نخست: حق کامل و شفاف (موضوع متن اصلی ماده ۹۸۷)
۱۱۶	گفتار دوم: حق کامل و غیر شفاف
۱۱۷	گفتار سوم: حق ناقص
۱۱۹	مبحث چهارم: آثار
۱۱۹	گفتار نخست: آثار شخصی
۱۲۰	گفتار دوم: آثار خانوادگی
۱۲۲	حقوق تطبیقی
۱۲۳	سخن پایانی: اصلاح‌های پیشنهادی
۱۲۳	بند یک: پیشنهادهای مقدماتی و میانی
۱۲۳	الف) «ماده ۹۹۰»
۱۲۳	یک: پیشنهاد مقدماتی
۱۲۳	دو: پیشنهاد نهایی

۱۲۴.....	ب) «ماده ۹۸۷».....
۱۲۴.....	یک: پیشنهاد مقدماتی.....
۱۲۴.....	دو: پیشنهاد نهایی.....

بخش سوم: کسب غیرارادی تابعیت ایران (مرتبط با روابط خانوادگی) فصل اول: تابعیت تحقیقی

۱۳۰.....	مبحث اول: طرح بحث (تابعیت و ازدواج).....
۱۳۰.....	مبحث دوم: تأثیر تابعیت بر ازدواج.....
۱۳۰.....	گفتار نخست: دیدگاه‌های کلی.....
۱۳۱.....	گفتار دوم: در حقوق ایران.....
۱۳۲.....	بند یک: تابعیت و شکل‌گیری نکاح.....
۱۳۵.....	بند دو: تابعیت و استمرار نکاح.....
۱۳۵.....	مبحث سوم: تأثیر ازدواج بر تابعیت (تابعیت تحقیقی).....
۱۳۵.....	مقدمه.....
۱۳۶.....	گفتار نخست: دیدگاه‌های کلی و دلایل.....
۱۳۷.....	بند یک: دیدگاه سنتی (نظریه وحدت تابعیت زوجین).....
۱۳۷.....	الف) تبیین.....
۱۳۸.....	ب) نقد.....
۱۳۹.....	ج) ماهیت.....
۱۴۱.....	بند دو: دیدگاه مدرن (نظریه استقلال تام تابعیت زوجین).....
۱۴۱.....	الف) تبیین.....
۱۴۳.....	ب) نقد.....
۱۴۶.....	بند سه: دیدگاه میانه (استقلال نسبی).....
۱۴۶.....	گفتار دوم: تابعیت تحقیقی در حقوق ایران.....
۱۴۷.....	الف) متون قانونی.....
۱۴۷.....	ب) پرسش‌های مربوط.....
۱۴۸.....	مقدمه.....
۱۴۸.....	بند یک: تبیین تابعیت تحقیقی ایران.....
۱۵۰.....	بند دو: نکته‌ها و ویژگی‌های تابعیت تحقیقی.....
۱۵۰.....	الف) مجاز و صحیح بودن عقد نکاح.....
۱۵۰.....	ب) عدم وابستگی به موقعیت خانوادگی خاص.....
۱۵۰.....	ج) عدم مشروطیت به اراده زن و یا سن خاص.....
۱۵۱.....	د) عدم مشروطیت به وقوع عقد نکاح در ایران.....

هـ) عدم مشروطیت به پذیرش دولت متبوع سابق.....	۱۵۱
و) فوری بودن پیدایش تابعیت تحقیقی و آثار آن.....	۱۵۱
ز) قطعی و دائمی بودن.....	۱۵۱
ح) تسهیل قانونی خروج از تابعیت تحقیقی.....	۱۵۲
بند سه: ابهام‌ها و پرسش‌ها.....	۱۵۲
الف) شمول نسبت به ازدواج موقت.....	۱۵۲
ب) ادامه تابعیت سابق زن.....	۱۵۳
ج) مخالفت حقوق ایرن با تعهدات بین‌المللی.....	۱۵۴
د) شرط ثبت ازدواج و صدور شناسنامه ایرانی.....	۱۵۴
بند چهار: آثار تابعیت تحقیقی.....	۱۵۵
بند پنج: بررسی پیامد احتمالی تابعیت مضاعف ناشی از تابعیت تحقیقی.....	۱۵۶
بند شش: نکته پایانی؛ تابعیت تحقیقی مرد خارجی.....	۱۵۷
سخن پایانی: نتیجه نهایی و پیشنهاد.....	۱۵۸
بند یک: پیشنهاد مقدماتی.....	۱۶۰
بند دو: پیشنهاد نهایی.....	۱۶۰

فصل دوم: تابعیت تبعی و الحاقی

مقدمه: ضرورت.....	۱۶۳
در آمد: متون قانونی و پرسش‌های مربوط.....	۱۶۶
الف) متون قانونی.....	۱۶۶
ب) پرسش‌های مربوط.....	۱۶۶
مبحث اول: تابعیت تبعی زن از شوهر.....	۱۶۷
گفتار نخست: دیدگاه‌ها.....	۱۶۷
بند یک: دیدگاه تأثیر کسب تابعیت هر یک از زوجین بر تابعیت دیگری و پذیرش تابعیت تبعی.....	۱۶۷
بند دو: دیدگاه عدم تأثیر و عدم پذیرش تابعیت تبعی.....	۱۶۷
الف) استقلال تابعیت هر یک از زوجین.....	۱۶۸
ب) تساوی حقوقی زن و مرد.....	۱۶۸
گفتار دوم: در حقوق ایران.....	۱۶۹
گفتار سوم: انتقاد و پیشنهاد.....	۱۷۱
مبحث دوم: تابعیت تبعی فرزند از پدر.....	۱۷۴
گفتار نخست: تبیین.....	۱۷۴
گفتار دوم: انتقاد و پیشنهاد.....	۱۷۵
حقوق تطبیقی.....	۱۷۷

۱۷۷	مبحث سوم: شرایط
۱۷۸	گفتار نخست: شرایط مربوط به نوع تابعیت
۱۷۸	گفتار دوم: شرایط مربوط به شخص متبوع
۱۷۸	گفتار سوم: شرایط مربوط به شخص تابع
۱۷۹	بند یک: شرایط مربوط به همسر
۱۷۹	بند دو: شرایط مربوط به فرزند: صغیر بودن (عدم اهلیت)
۱۸۰	الف) مفهوم صغیر
۱۸۰	ب) زمان اعتبار شرط صغیر بودن فرزند
۱۸۱	ج) شمول نسبت به سایر مصادیق عدم اهلیت؟
۱۸۲	مبحث چهارم: مبدأ زمانی تابعیت
۱۸۳	مبحث پنجم: وصف مشترک: معلق بودن تابعیت
۱۸۳	مبحث ششم: آثار
۱۸۴	گفتار نخست: آثار شخصی
۱۸۵	گفتار دوم: آثار خانوادگی
۱۸۵	بند یک: آثار خانوادگی تابعیت تبعی زن
۱۸۵	بند دو: آثار خانوادگی تابعیت تبعی فرزند
۱۸۶	مبحث هفتم: تابعیت تبعی به دنبال تابعیت‌های رجوعی و تحقیقی و تبعی
۱۸۷	مبحث هشتم: تابعیت الحاقی فرزند خواندگان
۱۸۸	سخن پایانی: نتیجه نهایی و پیشنهاد
۱۸۹	بند یک: پیشنهادهای مقدماتی
۱۹۰	بند دو: پیشنهاد نهایی
۱۹۱	سخن پایانی کتاب: جمع‌بندی پیشنهادهای اصلاحی شاخه‌های مختلف تابعیت اکتسابی-تحصیلی ایران
۱۹۱	بند یک: تابعیت تحصیلی
۱۹۱	الف) ماده ۹۷۹، درباره امکان و شرایط تحصیل تابعیت ایران
۱۹۲	ب) ماده ۹۸۰، درباره تسهیل در تحصیل تابعیت ایرانی
۱۹۳	ج) ماده ۹۸۱، درباره تضمین شرایط تحصیل تابعیت
۱۹۳	د) ماده ۹۸۲، درباره آثار شخصی تابعیت تحصیلی
۱۹۴	ه) ماده ۹۸۳، درباره تشریفات اداری
۱۹۴	ز) ماده ۹۸۴، درباره آثار خانوادگی تابعیت تحصیلی
۱۹۵	ح) ماده ۹۸۵، باز هم درباره آثار خانوادگی تابعیت تحصیلی
۱۹۵	بند دو: تابعیت رجوعی
۱۹۵	الف) ماده ۹۹۰، درباره تابعیت رجوعی ناشی از سلب ارادی یا تبعی تابعیت
۱۹۶	ب) ماده ۹۸۷، درباره تابعیت رجوعی ناشی از سلب تابعیت در نتیجه یا به سبب ازدواج

- بند سه: تابعیت تحقیقی..... ۱۹۶
- الف) بند ۶ ماده ۹۷۶، درباره تابعیت ناشی از ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی..... ۱۹۶
- بند چهار: تابعیت تبعی: ماده ۹۸۴..... ۱۹۷
- منابع..... ۱۹۹
- الف) کتاب و مقاله..... ۱۹۹
- ب) متون قانونی..... ۲۰۱

به نام خداوند جان و خرد
تورا دانش دین رهاند درست
به گفتار پیغمبرت راه جوی
که «من شهر علمم، علیم در است»
کزین برتر اندیشه بر نگذرد
در رستگاری بیایدت جُست
دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
درست، این سخن گفت پیغمبر است...
اگر چشم داری به دیگرسرای
به نزد نبی و وصی گیر جای^۱

با نام خدای می‌آغازم و پیش از هر سخن، او را حمد و سپاس می‌گویم و بر محمد و آل، درود می‌فرستم.

پیشگفتار

در راستای معرفی اجمالی نوشتار حاضر، در این پیشگفتار، به ضرورت پژوهش، پیشینه پژوهش، شیوه و روش پژوهش و در نهایت به سرفصل‌های اصلی پژوهش، اشاره می‌کنیم.

ضرورت پژوهش

حقیقت این است که قانون موجود تابعیت ایران، که عمدتاً در مواد ۹۶۷ تا ۹۹۱ قانون مدنی انعکاس یافته و نظام تابعیت در حقوق کنونی ایران را توضیح می‌دهد، مصوب سال ۱۳۱۳ می‌باشد که تقریباً هیچ‌گونه تغییر و اصلاح اساسی در آن انجام نشده است. گذشت نزدیک به

۱. حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، «آغاز سخن».

۹۰ سال از تاریخ تصویب این قانون و پیدایش برخی مسائل نوپیدا در عرصه تابعیت، بازنگری انتقادی و اصلاحی این قانون را از راه تأمل و تدبر منطقی و بنیادین دربارهٔ تابعیت و نیز مطالعه تطبیقی با قوانین دیگر کشورها، ضروری می‌سازد. افزون بر آنکه حتی فارغ از این مطلب و با فرض عدم گذشت زمان حدود ۹۰ ساله، برخی از مواد قانونی مربوط به تابعیت، از نوعی سکوت، ابهام و اجمال و حتی گاه تعارض رنج می‌برد. همین امر سبب شده است که بسیاری از اساتید حقوق بین‌الملل خصوصی که به بحث تابعیت می‌پردازند، اصلاح این مواد و بازنگاری قانون تابعیت را پیشنهاد کنند، چنان‌که مشکلات عملی و اجتماعی ناشی از نقصان‌های مذکور، مسئولین کشوری، اعم از مجلس و دولت و دیگر نهادهای درگیر، مثل وزارت کشور، نیروی انتظامی و... را به بازنگری و احیاناً بازنگاری بخش‌هایی از قانون تابعیت، واداشته است، که نمونه روشن آن را در ماده واحده‌های مصوب سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۸ دربارهٔ تابعیت فرزندان زنان ایرانی که با مردان غیر ایرانی ازدواج کرده و می‌کنند، می‌توان دید.

هدف پژوهش

پژوهش حاضر که در بستر همان نیاز و تحقق همین هدف، فراهم شده است در تلاش است تا از طریق تأمل و تعمق در مطلب و با استفاده از یک مطالعه تحلیلی و تطبیقی، به روشن ساختن بیش از صد مورد از موارد سکوت، اجمال و نادرستی مواد قانونی مربوط به تابعیت در حقوق ایران^۱ بپردازد، تا از این راه و احیاناً با ارائه یک بسته پیشنهاد اصلاحی به قانون‌گذار درباره نظام تابعیت در حقوق ایران، دستگاه قانون‌گذاری را، در جهت اصلاح قانون تابعیت ایران و تدوین قانون تابعیت جدید مناسب، یاری رساند و البته پیش از آن، از یک سو، دستگاه قضایی و قضات محترم را، در رسیدگی بهتر به دعاوی مربوط به تابعیت، کمک کند و از سوی دیگر، در ارائه بحثی همه‌جانبه‌تر و عمیق‌تر درباره تابعیت، در مجامع علمی و دانشگاهی، به‌ویژه دانشکده‌های حقوق، مشارکت نماید.

نویسنده برای رسیدن به این مقصود، گاه مفهوم روشن قانون را و یا مفهوم مبهمی را که به گونه‌ای روشن ساخته که قابل استناد به قانون‌گذار باشد، مورد انتقاد قرار داده و پیشنهاد جدیدی

۱. در مباحث آینده، به پرسش‌ها و ابهام‌های مربوط به هر ماده، در آغاز بحث از آن ماده اشاره می‌شود.

را جایگزین آن کرده است و گاه به پرسش‌های ناشی از سکوت و یا ابهام قانون، که معمولاً و غالباً از سر غفلت و یا سرعت و یا هر دلیل دیگر، کمتر مورد توجه قرار گرفته است پاسخ گفته است.

در این میان، این مهم نیست که نویسنده چه پاسخ و چه پیشنهاد جایگزینی را مطرح ساخته و پاسخ و پیشنهاد او تا چه اندازه صحیح و قابل قبول است، مهم این است که با این کار خواسته است که توجه صاحب‌نظران و به‌ویژه قانون‌گذار را به نقائص و کاستی‌های قانون موجود، اعم از نادرستی ماهوی قانون و یا سکوت و ابهام و اجمال و حتی گاه تعارض مواد قانونی جلب کند و ضرورت بازنگری و بازنگاری با رویکرد اصلاحی و کارآمدسازی و به‌روزرسانی قانونی را که حدود ۹۰ سال از تصویب آن می‌گذرد، یادآور شود و صد البته خود نیز برای کمک به قانون‌گذار، مجموعه‌ای از پیشنهادها را همراه با بحث تحلیلی فراهم ساخته است تا دست‌کم به‌عنوان پیش‌نویس اصلاح قانون مورد توجه قانون‌گذار و صاحب‌نظران قرار گیرد، تا هر آنچه را که می‌پسندند، مورد استفاده قرار دهند و هر آنچه را که نمی‌پسندند، خود جایگزینی برایش فراهم سازند.

به هر حال، این پژوهش، عهده‌دار پاسخ به حدود یک‌صد پرسش درباره تابعیت در نظام کنونی حقوق ایران است که به‌طور نظام‌مند (طرح هر پرسش و پاسخ آن، در جایگاه مناسب) می‌پردازد.

شیوه و روش پژوهش

روش اصلی پژوهش و ارائه آن، به‌ویژه در قسمت اصلی بحث که به تابعیت در حقوق ایران مربوط می‌شود، بدین‌گونه است که در آغاز هر مبحث، نخست مواد قانونی مربوط در حقوق ایران آورده می‌شود و سپس با طرح پرسش‌هایی، به موارد سکوت، اجمال، ابهام و تعارض احتمالی مواد مذکور و احیاناً نادرستی آنها، اشاره می‌شود تا افزون بر آنکه محورهای اصلی مباحث آینده را مشخص می‌کند، ذهن خواننده محترم را نیز به دغدغه‌های اصلی این نوشتار جلب کند و تلاش می‌کند که درجه اول، تا سرحد ممکن، غبار اجمال و ابهام از چهره قانون بزداید و مراد قانون‌گذار را روشن و شفاف سازد و عبارت قانون را به لحاظ شکلی اصلاح و گویا گرداند و در درجه دوم و با فرض روشن بودن یا روشن شدن مراد قانون‌گذار، محتوای قانون را از

جهت انطباق یا عدم انطباق با منطق حاکم بر تابعیت (اصول و مبانی حاکم بر تابعیت) و احیاناً وضعیت امروز جامعه ایرانی و مصالح آن، بررسی کند و در نهایت در هر مورد پیشنهاد اصلاحی ارائه نماید. بدیهی است در کنار این روش تحلیلی، برای تثبیت، تقویت و تأیید مطلب، با استفاده از روش کتابخانه‌ای، از زحمات نویسندگانی که پیش از این، با نگاه تحلیلی و انتقادی به تابعیت در حقوق ایران پرداخته‌اند، نیز استفاده شده است. با توجه به آنچه گفته شد و نیز با توجه هدف‌گذاری اصلاح قانون تابعیت ایران در این نوشتار، قلمرو موضوعی پژوهش، به تابعیت در حقوق ایران محدود و منحصر شده است، هرچند در حد لزوم به قوانین دیگر کشورها نیز اشاره گردیده است.

پیشینه پژوهش

حقوق دانان ایرانی معمولاً در تدریس و نگارش، در ضمن بحث از حقوق بین‌الملل خصوصی (۱)، از تابعیت نیز بحث می‌کنند و پس از تبیین کلیاتی درباره تابعیت، به شرح ایضاحی و تقریری قانون تابعیت ایران می‌پردازند و فرصت و مجال نقد استقلالی قانون تابعیت و مطالعه تطبیقی و اصلاحی آن را پیدا نمی‌کنند. کتاب‌های اندکی هم که با نگاهی تحلیلی و انتقادی مستقلاً به تابعیت پرداخته‌اند، بیشتر به بررسی یک مسئله - و نه کل بحث تابعیت - پرداخته‌اند، مانند: اثر ازدواج و تغییر تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل خصوصی، نوشته: علی اکرم داودی نیا؛ اخذ تابعیت مضاعف و تأثیر آن بر حقوق مکاتبه، نوشته: مجتبی محمدی روز بهانی؛ بررسی تطبیقی تابعیت کودکان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، نوشته: شمس کوپایی؛ تابعیت مضاعف، نوشته: حسین فولادی و تابعیت طفل طبیعی در نظام حقوقی ایران، نوشته: حسین بالا رستاقی. اولین کتابی که کل تابعیت را مستقلاً مورد بحث قرار داده، کتاب تابعیت در ایران، نوشته علاءالدین مرعشی است که در سال ۱۳۱۶ به‌وسیله چاپخانه مجلس، به چاپ رسیده است. این کتاب افزون بر آنکه امروزه، کمتر در دسترس است، به نقد قانون هم پرداخته است. در سال‌های اخیر نیز چند کتاب، با عنوان تابعیت منتشر شده است، از جمله، یکی: تابعیت در ایران و سایر کشورها، نوشته حسین آل‌کجیاف است که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده و در قسمت اول آن، تابعیت در حقوق ایران را توضیح داده است و کمتر به نقد آن پرداخته است و در قسمت دوم، قوانین کشورهای مختلف درباره تابعیت را ارائه کرده است، بی‌آنکه مطالعه تطبیقی انجام

دهد. و دیگر، کتاب تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل، نوشته ستار عزیزی و بیژن حاجی عزیزی است که در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است که در ضمن بحثی نسبتاً تطبیقی، از نقد قانون ایران نیز غفلت نکرده و در نهایت مواد بیست‌ویک گانه‌ای به جای مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی، پیشنهاد کرده است. با این همه، حقیقت این است که این کتاب هم، از مجموع بیش از صد مورد نقطه ضعف قانون تابعیت ایران، به بیان چند مورد اصلی و کلی بسنده کرده است، افزون بر آنکه قوانین پیشنهادی نویسندگان محترم نیز گاه قابل تأمل و انتقاد به نظر می‌رسند. به نظر می‌رسد نه تنها انجام این پژوهش، به دلیل فقدان پیشینه‌ای با مشخصات یادشده، ضروری است، بلکه همچنان باید پژوهش‌های عمیق‌تری از جانب صاحب‌نظران در راستای اصلاح و تکمیل قانون انجام شود.

سرفصل‌های اصلی پژوهش

نتیجه این پژوهش و مطالعه «ایضاحی-انتقادی-تطبیقی-اصلاحی» تابعیت ایران، براساس محورهای سه‌گانه تابعیت، یعنی برخوردار بودن، برخوردار شدن و نابرخوردار شدن از تابعیت، در قالب سه کتاب به دانشوران ارائه شده است: کتاب تابعیت اصلی که راه‌های برخوردار بودن از تابعیت ایران را توضیح می‌دهد و کتاب تابعیت اکتسابی که چگونگی برخوردار شدن از تابعیت ایران را تبیین می‌کند و کتاب سلب تابعیت که دلایل نابرخوردار شدن از تابعیت ایران را شرح می‌دهد.

کتاب حاضر، همان‌گونه که از نامش پیدا است، به تبیین چگونگی برخوردار شدن فرد، از تابعیت اکتسابی ایران اختصاص دارد و در سه بخش اصلی و یک سخن پایانی فراهم شده است: در بخش نخست (کلیات)، توضیحاتی کلی در باره انواع مختلف تابعیت اکتسابی (تحصیلی، تبعی و الحاقی، تحقق‌ی و شبه‌تحقق‌ی، اجباری و رجوعی) ارائه شده است که زمینه ورود به بخش‌های اصلی کتاب را فراهم کند. در بخش دوم، برخوردار شدن ارادی از تابعیت اکتسابی ایران، مستقل از روابط خانوادگی بررسی می‌شود. در بخش سوم، برخوردار شدن غیرارادی فرد از تابعیت اکتسابی ایران، مرتبط با روابط خانوادگی تبیین می‌گردد. در سخن پایانی، به جمع‌بندی مباحث پیشین پرداخته و براساس آن، پیشنهادهایی جهت اصلاح قانون ارائه می‌گردد.

به هر حال، امید است پژوهش و نوشتار حاضر که با انگیزه پیش گفته به قانون‌گذار و صاحب‌نظران تقدیم شده است، بتواند در اصلاح و تکامل قانون تابعیت ایران سهیم باشد، «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید».

در اینجا بایسته است از همه کسانی که در فراهم آمدن این اثر یاری‌رسانم بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری کنم:

– همسر همسو و فرزندان شکیبایم، که با همسویی و شکیبایی خویش، زمینه‌ساز چنین توفیقاتی هستند.

– دوستان و همکاران گرامی در گروه حقوق و فقه اجتماعی و دیگر بخش‌های پژوهشگاه، به‌ویژه کتابخانه و انتشارات و نیز ویراستار محترم، که بی‌مدد آنان این اثر فراهم نمی‌آمد.

– ارزیابان محترم، آقایان دکتر محمد جواد شریعت باقری و دکتر حسین قافی که با تذکارات عالمانه و دقیقشان، نقایص این اثر را کاستند و بر اتقان آن افزودند.

– استاد معظم، جناب آقای دکتر نجادعلی الماسی، که سال‌ها پیش و در دوره دانشجویی، مرا با الفبای مبحث تابعیت آشنا ساختند.

– و نیز همه کسانی که در فراهم ساختن این وجیزه، از آثار گران‌بهایشان استفاده کردم. ای غایت عقل و عشق، در گفت و شنفت در ختم سخن، حمد تو می‌باید گفت^۱

الحمد لله رب العالمین – مصطفی دانش‌پژوه

بهار ۱۴۰۱

۱. بیت برگرفته از مقدمه مرحوم دکتر حسن حبیبی بر ترجمه جلد دوم کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۲۲.

بخش اول

کلیات

فصل اول: تابعیت تحصیلی
فصل دوم: تابعیت تبعی و الحاقی
فصل سوم: تابعیت تحقیقی و شبه تحقیقی
فصل چهارم: تابعیت اجباری
فصل پنجم: تابعیت رجوعی

مقدمه

تابعیت، در کلان تقسیم خود و براساس زمان پیدایش آن برای فرد، به دو نوع تابعیت تولدی (اصلی) و تابعیت غیر تولدی (اکتسابی به معنای عام) تقسیم می‌شود. مقصود از تابعیت اصلی، تابعیتی است که فرد از زمان تولد از آن برخوردار است^۱ و مقصود از تابعیت اکتسابی، هر تابعیتی است که پس از تولد و با فاصله‌ای از تولد، شخص از آن برخوردار می‌شود، پس برخلاف تبادر اولیه، تابعیت اکتسابی به معنای عام، منحصر به تابعیتی نیست که شخص با اراده خود به تحصیل آن اقدام می‌کند. اگرچه برخی تابعیت اکتسابی را به دو شاخه تابعیت اختیاری و قهری تقسیم کرده‌اند،^۲ اما به نظر می‌رسد که براساس نقش اراده فرد و دولت در پیدایش تابعیت، و نه استمرار آن، این تابعیت به انواع مختلفی (تحصیلی، تبعی، الحاقی، تحقیقی، شبه تحقیقی، رجوعی، اجباری)^۳ قابل تقسیم است که هر نوع، خود راهی برای دارا شدن تابعیت محسوب می‌شود، البته در اندکی از کشورها نوع دیگری از تابعیت اکتسابی وجود دارد که می‌توان از آن با عنوان «تابعیت اهدایی»، یا «تابعیت افتخاری» یاد کرد.^۴ همچنان که اعطای

۱. تابعیت اصلی در کتاب دیگری با عنوان تابعیت اصلی در حقوق ایران، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

۲. عزیزی و حاجی عزیزی، تابعیت در حقوق ایران و بین الملل، ص ۱۷۹.

۳. قیده‌های تحصیلی، تبعی، الحاقی، تحقیقی، شبه تحقیقی، رجوعی و اجباری در واقع وصف چگونگی دارا شدن تابعیت است و نه وصف خود تابعیت، اما در عین حال به دلیل شدت ارتباط، قابل اسناد به خود تابعیت نیز می‌باشد.

۴. می‌توان گفت مقصود از تابعیت اهدایی یا تابعیت افتخاری، تابعیتی است که دولت بدون اراده و درخواست شخص، و صرفاً به دلیل داشتن پاره‌ای امتیازات به او اعطا می‌کند، بی‌آنکه حتی نیازی به پذیرش شخص

تابعیت از طریق فرزندخواندگی در پاره‌ای از کشورها نیز، یکی دیگر از راه‌های دارا شدن غیرتولدی تابعیت است.^۱ در ادامه در ضمن پنج فصل، به بررسی انواع مختلف تابعیت غیرتولدی می‌پردازیم.

داشته باشد و یا مشروط به خروج شخص از تابعیت سابقش باشد. بنابراین، ممکن است شخص پس از دارا شدن تابعیت اهدایی یا افتخاری، دارای تابعیت مضاعف شود. برای نمونه، «فصل دوازدهم قانون تابعیت مصوب ۱۹۵۶ ایرلند به رئیس‌جمهور این کشور اجازه داده است تا براساس پیشنهاد دولت به اشخاصی که خدمات شایسته‌ای به کشور ایرلند بنمایند، [تابعیت این کشور] را اعطا نماید. اعطای تابعیت به این‌گونه افراد شامل فرزندان و افراد تحت تکفل آنها نیز می‌شود. کسانی که از این طریق تابعیت ایرلند را کسب می‌نمایند همانند شهروندان ایرلندی از کلیه حقوق و امتیازات آن کشور برخوردار خواهند شد» (آل کجیاف، تابعیت در ایران و سایر کشورها، ص ۱۶۹).

۱. در پاره‌ای از کشورها تابعیت به‌طور مطلق یا باشرایطی به فرزندخوانده نیز منتقل می‌شود. این نوع تابعیت از آن جهت که به نوعی به رابطه پدر-مادری و فرزندی شباهت دارد، به تابعیت تولدی بر مبنای سیستم خون نزدیک است، اما از آن جهت که در نوع غالب و نزدیک به تمام آن، این تابعیت پس از تولد طفل، برای او پدید می‌آید، از تابعیت تولدی دور می‌گردد و در گروه تابعیت‌های غیرتولدی قرار می‌گیرد، اگرچه ممکن است آثار مترتب بر آن، با تابعیت تولدی خیلی متفاوت نباشد و یا احیاناً کاملاً همانند باشد، چنان‌که از اول ژانویه ۱۹۸۸م اطفالی که توسط اتباع بلژیکی به فرزندخواندگی پذیرفته بشوند، وضعیت آنها مانند اطفالی است که در بلژیک متولد شده باشند (آل کجیاف، همان، ص ۱۷۴). کشورهای کانادا، انگلیس، ایرلند، بلژیک، رومانی، سوئد، نروژ، تابعیت از طریق فرزندخواندگی را پذیرفته اند (آل کجیاف، همان، به ترتیب، ص ۱۳۳، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۸۴، ۱۸۶ و ۱۹۹).

فصل اول

تابعیت تحصیلی

(کسب تابعیت از راه اراده و درخواست مستقیم شخص)^۱

دارا شدن این نوع از تابعیت «از سوی بیگانه و با اقدام خود او، یعنی درخواست وی آغاز می‌شود و با موافقت دولت و صدور سند تابعیت به نام او انجام می‌پذیرد».^۲ بیگانه متقاضی تابعیت ممکن است بی‌تابعیت و یا دارای تابعیت دولتی دیگر باشد.^۳

در این نوع از تابعیت - برعکس تابعیت اصلی - اراده هر یک از دو طرف، به‌ویژه اراده فرد، بارزترین و بیشترین نقش را در ایجاد و پیدایش رابطه تابعیت ایفا می‌کند، اما در عین حال، باید توجه داشت که «اراده شخص تنها در مورد تقاضای تغییر تابعیت و تحصیل شرایط مؤثر است و قبول تقاضا یا رد آن بستگی کامل به نظر دولت مورد بحث دارد؛ زیرا تابعیت، یک امر سیاسی است و نمی‌توان آن را [صرفاً] به اراده شخص واگذار کرد».^۴

اصولاً این نوع از تابعیت - بدون آنکه حق و یا تکلیف هر یک از دو طرف باشد - بر مبنای توافق اراده آزاد دولت و فرد پدید می‌آید. در این صورت، نه فرد «حق» داشتن تابعیت را دارد و نه دولت «تکلیف» اعطای آن را. پس آنچه موضوع و متعلق حق فرد است، حق

۱. تابعیتی را که فرد براساس اراده خود، از آن برخوردار می‌شود، و از این جهت می‌توان آن را «تابعیت ارادی» نامید، خود دو صورت دارد: یکی تحصیلی و دیگر رجوعی، با مقداری تفاوت در آثار مترتب بر هر یک، که در بخش دوم (حقوق ایران)، توضیح آن خواهد آمد.

۲. سلجوقی، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۳. ارفع‌نیا، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۰۰.

۴. همان.

«تقاضا و درخواست»^۱ تابعیت است، نه حق «داشتن» آن تابعیت و آنچه موضوع و متعلق حق دولت است، «اختیار پذیرش یا رد» این تقاضا است.^۲

البته برای حصول توافق اراده فرد و دولت و به عبارت دیگر، برای پذیرش تقاضای فرد، معمولاً دولت‌ها با استناد به اصل «آزادی دولت‌ها در تعیین قواعد تابعیت» و متناسب با وضعیت انسانی، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی خود، شرایطی را برای پذیرش درخواست متقاضی منظور می‌دارند. مهم‌ترین و عمومی‌ترین این شرایط که در قوانین بیشتر دولت‌ها دیده می‌شوند، عبارت‌اند از: ۱. حداقل سن برای درخواست تابعیت (اهلیت استیفا)؛ ۲. حداقل زمان اقامت؛ ۳. شایستگی رفتار (لیاقت)؛ ۴. توانایی مالی (مکنت)؛ ۵. شناخت فرهنگ و زبان دولت مربوط؛ ۶. اثبات همگرایی متقاضی با دیگر افراد جامعه جدید؛ ۷. ترک تابعیت قبلی؛ ۸. ادای سوگند وفاداری.^۳ در حقوق ایران (به شرحی که خواهد آمد)، برخی از این

۱. نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۳۸.

۲. در حقوق اسلامی، در مقایسه با حقوق عرفی، تابعیت تحصیلی، تقریباً مرهون اراده فرد است و اراده دولت چندان نقشی ندارد؛ زیرا دولت نه می‌تواند مسلمان شدن کسی را به رسمیت نشناسد و نه حق دارد که از پذیرش درخواست متقاضی انعقاد قرارداد ذمه خودداری کند. بدین ترتیب، از یک سو، دارا شدن تابعیت دولت اسلامی - و نه درخواست دارا شدن - حق هر فرد است و متقابلاً و از سوی دیگر، دولت مکلف به پذیرش اسلام نومسلمانان و نیز پذیرش درخواست متقاضیان قرارداد ذمه است، البته در تابعیت تحصیلی دولت اسلامی، این تفاوت بین مسلمان شدن با ذمی شدن وجود دارد که در مسلمان شدن، اراده دولت تقریباً هیچ نقشی ندارد؛ زیرا صرف اعلام پذیرش اسلام از جانب فرد، برای برخورداری او از تابعیت دولت اسلامی کافی است، اما ذمی شدن، بدون انعقاد قرارداد با دولت اسلامی، محقق نمی‌شود، اگرچه دولت اسلامی موظف به انعقاد قرارداد است، پس اراده دولت اسلامی در این نوع از تابعیت تحصیلی، پررنگ‌تر است (ر.ک: دانش‌پژوه، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، ص ۱۴۸). درباره تابعیت تبعی و تحقیقی در حقوق اسلامی، در فصل مربوط به دارا شدن تابعیت، سخن گفته خواهد شد. اما تابعیت اجباری که اصولاً در حقوق اسلامی وجود ندارد. در حقوق عرفی نیز در پاره‌ای از دولت‌ها، در مواردی تحصیل تابعیت حق بیگانه محسوب شده است که در نتیجه دولت باید با تقاضای او موافقت کند و تابعیت خود را به او اعطا کند. برای نمونه، از ظاهر قوانین تابعیت پاکستان و استرالیا، این گونه استفاده می‌شود که اگر یکی از والدین متقاضی واجد همه شرایط، تبعه این دولت‌ها باشند، تابعیت حق متقاضی محسوب شده و دولت با درخواست او موافقت می‌کند (پاکستان/۱۰۲ و استرالیا/۱۳۶). نیز دولت‌های هلند، لوکزامبورگ، آلمان و اسپانیا (عزیزی و حاجی‌عزیزی، تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل، ص ۱۹۶-۱۹۸).

۳. عزیزی و حاجی‌عزیزی، همان، ص ۱۸۵-۱۸۶ (و توضیح آن در ص ۱۸۶-۱۹۸)، ارفع‌نیا، همان، ص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ نصیری، همان، ص ۶۱ و ۶۲. البته با اینکه اصل اولیه بر آزادی‌های دولت‌ها در پذیرش افراد به تابعیت خود می‌باشد، با این حال، «معمولاً در معاهدات دوجانبه استرداد مجرمان، شرطی گنجانده می‌شود که به

تابعیت تحصیلی (کسب تابعیت از راه اراده و درخواست مستقیم شخص) ۱۳

شرایط در قانون مدنی و برخی در آئین نامه‌های مربوط به تحصیل تابعیت ایران انعکاس یافته است.

با این حال، درباره این شرایط باید به دو نکته زیر توجه داشت:

نکته اول: ریز شرایط لازم برای تحصیل تابعیت دولت‌ها، بسته به موقعیت آنها، به شدت متفاوت است به گونه‌ای که بیش از آنچه که گذشت، قابل جمع‌بندی نیست؛ زیرا گاه شرطی فقط متناسب با موقعیت کشوری خاص می‌باشد، چنان‌که مثلاً شرایط خاص اقتصادی بنگلادش موجب شده است در پاره‌ای موارد، برای تحصیل تابعیت دولت بنگلادش، مبلغ معینی از سرمایه‌گذاری یا داشتن مبلغ معینی در بانک‌های آن کشور، لازم باشد.^۱

نکته دوم: لازم دانستن و ندانستن همه شروط فوق، و افزایش یا کاهش آنها و چگونگی کیفیت آنها، در اختیار دولت‌هاست که براساس مصالح خود به تعیین آن می‌پردازند. شاید به همین دلیل است که «تفاوت قائل شدن میان اتباع دولت‌ها و اعطای تخفیف به برخی از آنها، مشروع تلقی می‌گردد، مثلاً دول عضو اتحادیه اروپایی می‌توانند برای اتباع دول عضو، مدت اقامت کمتری نسبت به اتباع دیگر کشورها قائل شوند»^۲ و یا نسبت به پاره‌ای از شرایط برای برخی اشخاص سهولت یا معافیتی قرار دهند، چنان‌که در حقوق ایران، چنین تخفیفی درباره

موجب آن، دولت‌ها متعهد می‌شوند از اعطای تابعیت خود به اشخاصی که استرداد آنها از سوی دولت مقابل درخواست شده است، خودداری کنند تا بدین ترتیب مانعی در خصوص استرداد مجرم پدیدار نشود (عزیزی و حاجی‌عزیزی، همان، ص ۱۸۱).

۱. آل کجیاف، همان، ص ۱۰۳. برای مطالعه بیشتر درباره شرایط لازم از نگاه حقوق هر کشور، ر. ک: آل کجیاف، همان: افغانستان، ص ۹۴؛ ارمنستان، ص ۹۷؛ امارات، ص ۹۹؛ بحرین، ص ۱۰۱؛ بنگلادش، ص ۱۰۳؛ چین، ص ۱۰۶؛ ژاپن، ص ۱۰۷؛ سنگاپور، ص ۱۱۰؛ کره جنوبی، ص ۱۱۲؛ مالزی، ص ۱۱۵؛ آرژانتین، ص ۱۱۸؛ اکوادور، ص ۱۲۰؛ السالوادور، ص ۱۲۲؛ آمریکا، ص ۱۲۴؛ برزیل، ص ۱۲۷؛ کانادا، ص ۱۳۲؛ استرالیا، ص ۱۳۶؛ نیوزلند، ص ۱۴۱؛ آلمان، ص ۱۴۷؛ اتریش، ص ۱۵۱؛ اسپانیا، ص ۱۵۵؛ اوکراین، ص ۱۵۷؛ انگلیس، ص ۱۶۱؛ ایتالیا، ص ۱۶۴؛ ایرلند، ص ۱۶۷؛ بلاروس، ص ۱۷۰؛ بلژیک، ص ۱۷۳؛ بلغارستان، ص ۱۷۷؛ پرتغال، ص ۱۸۰؛ چک، ص ۱۸۱؛ دانمارک، ص ۱۸۲؛ رومانی، ص ۱۸۴؛ سوئیس، ص ۱۸۸؛ فرانسه، ص ۱۹۲؛ فنلاند، ص ۱۹۴؛ کرواسی، ص ۱۹۸؛ نروژ، ص ۲۰۰؛ هلند، ص ۲۰۳؛ آنگولا، ص ۲۰۸؛ الجزایر، ص ۲۱۰؛ باربادوس، ص ۲۱۱؛ باهاما، ص ۲۱۲؛ کریباتی، ص ۲۱۵؛ کنیا، ص ۲۱۶؛ مصر، ص ۲۱۸؛ نیجریه، ص ۲۲۰.

۲. عزیزی و حاجی‌عزیزی، همان، ۱۹۱. از همین رو، پیشنهاد می‌شود که چنین تخفیف و تفاوتی نیز در میان کشورهای اسلامی و دولت‌های عضو کنفرانس اسلامی، البته با مطالعه دقیق، پیش‌بینی شود و یا براساس شیعه یا مسلمان بودن متقاضی تخفیف‌هایی برای اتباع کشورهای غیراسلامی در نظر گرفت.

شرط اقامت نسبت به متقاضیانی که همسر و فرزند ایرانی دارند، مشاهده می‌شود و یا در پاکستان داشتن نسب پاکستانی، سبب تسهیل کسب تابعیت می‌شود و «هر طفلی که بعد از آوریل ۱۹۵۱ از پدر پاکستانی در خارج متولد بشود پاکستانی محسوب گردیده. مشروط بر اینکه خود وی تقاضای ثبت به یکی از سفارت‌های پاکستان را کرده باشد».^۱ همچنین در استرالیا، هر «طفلی که در خاک استرالیا متولد شده و در زمان تقاضای تابعیت استرالیا، یکی از والدین وی تابعیت استرالیا را داشته باشد. وی می‌تواند برای کسب تابعیت این کشور اقدام نموده مشروط بر آنکه تقاضای وی قبل از هجده سالگی باشد».^۲ و یا در ارمنستان، متقاضی تابعیت اگر با تبعه ارمنستان ازدواج کرده باشد و یا قبل از ازدواج رسمی از وی بچه‌ای داشته باشد و یا پدر و مادر وی تبعه ارمنستان باشند، از داشتن شرایط لازم برای تحصیل تابعیت آن دولت، معاف است.^۳

نکته سوم: از نظر بیشتر کشورها، اجتماع همه شرایط لازم در شخص متقاضی، الزاماً به معنای برخورداری متقاضی از «حق» برخورداری از تابعیت آن دولت نیست، بنابراین، دولت‌ها می‌توانند با درخواست متقاضی مخالفت کنند و تنها تعداد اندکی از دولت‌ها، همچون دولت‌های هلند، لوکزامبورگ، آلمان و اسپانیا هستند که وجود همه شرایط را به منزله شرط لازم و کافی می‌گیرند و در نتیجه تابعیت را حق متقاضی و دولت را موظف به اعطای تابعیت می‌دانند، به گونه‌ای که اگر دولت به هر دلیل از اعطای تابعیت امتناع ورزد، باید نسبت به تصمیم خود پاسخ‌گو باشد، در حالی که از نگاه بیشتر کشورها که اعطای تابعیت را وظیفه دولت‌ها نمی‌دانند، منطقاً لزومی ندارد که دولت‌ها نسبت به تصمیم خود در برابر متقاضی پاسخ‌گو باشند، جز آنکه برخی از دولت‌ها، مانند اتریش، فنلاند، ایتالیا، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد و فرانسه، که بر لزوم پاسخ‌گویی مستدل مراجع اداری مراجعان تأکید دارند، در چند سال اخیر، از لزوم پاسخ‌گویی مستند به رد درخواست‌های کسب تابعیت سخن می‌گویند.^۴

درباره آثار شخصی دارا شدن این نوع از تابعیت باید توجه داشت که به محض آنکه شخص،

۱. آل کجیاف، همان، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. آل کجیاف، همان، ص ۹۷.

۴. عزیزی و حاجی‌عزیزی، همان، ص ۱۹۶-۱۹۸.

تابعیت تحصیلی (کسب تابعیت از راه اراده و درخواست مستقیم شخص) ۱۵

تابعیت جدید دولتی را تحصیل نمود، همچون سایر اتباع آن دولت، از حقوق و مزایا بهره‌مند و موظف به انجام تکالیف مربوط به اتباع می‌شود. البته در کشورهای مختلف و بر مبنای قوانینی متفاوت، ممکن است درجه بهره‌مندی او با اتباع اصلی کم یا بیش متفاوت باشد.^۱ اما به لحاظ خانوادگی، معمولاً بسته به هویت و موقعیت خانوادگی شخص تحصیل‌کننده تابعیت، آثار آن متفاوت است؛ اگر تحصیل‌کننده تابعیت، مرد و دارای فرزند و همسر باشد، معمولاً فرزندان صغیر او نیز از نظر دولت متبوع جدید، تبعه آن دولت محسوب می‌شوند؛ اما در خصوص همسر مسئله اندکی متفاوت است.

«در قوانین برخی کشورها مثل ایران، زوجه هم به تبعیت از زوج به تابعیت جدید درمی‌آید و در قوانین برخی کشورها مثل فرانسه، تغییر تابعیت شوهر در تابعیت زن تأثیری نمی‌گذارد».^۲ در هر حال، تحصیل تابعیت جدید، نسبت به فرزندان کبیر هیچ تأثیری ندارد، چنان‌که تحصیل تابعیت توسط همسر (زوجه) در تابعیت زوج، و تحصیل تابعیت توسط فرزندان کبیر، در تابعیت والدین آنها به هیچ‌وجه تأثیری نخواهد داشت.^۳

۱. برای نمونه، ماده ۹۸۴ قانون مدنی ایران.

۲. نصیری، همان، ص ۶۴.

۳. توضیح بیشتر در بخش دوم خواهد آمد.

